

تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر رشد رادیکالیسم مذهبی در جمهوری چین

مریم وریج کاظمی^۱

چکیده

انطباق قانون منازعات و درگیری بر جغرافیای مناطق سرشار از ذخایر هیدروکربنی، از چهارچوب‌های اصلی سیاست سلطه‌جویانه قدرت‌های اقتصادی-صنعتی برای افزایش منافع اقتصادی و تجاری‌شان است و برای اجرای آن از ابزار رادیکالیسم مذهبی استفاده می‌کنند که این امر منجر به آشوب داخلی و بی‌ثباتی‌های سیاسی-اجتماعی در کشورهای برخوردار از منابع انرژی می‌شود. در این راستا جمهوری چین به دلیل همجواری با مناطق غنی انرژی و قرارگیری در مسیر ترانزیت دریای کاسپین (خزر) به دریای سیاه از منظر ژئوپلیتیک انرژی دارای جایگاه مهمی است و بدین ترتیب زمینه مساعدی برای شکل‌گیری بحران و خشونت بوجود می‌آورد. لذا در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به چگونگی نقش و تأثیر ژئوپلیتیک انرژی در روند بحران و منازعات نشأت گرفته از رادیکالیسم مذهبی و بنیادگرایی افراطی در جمهوری چین می‌پردازیم و در نهایت فرضیه این مقاله که رادیکالیسم مذهبی بعنوان مهمترین ابزار کنترل بر جغرافیای مناطق غنی انرژی و مسیرهای ترانزیتی آن از نقش قابل توجهی در بحران آفرینی در جمهوری چین و تسری خشونت به فضای پیرامونی برخوردار است، به اثبات می‌رسد.

واژگان کلیدی: چین، ژئوپلیتیک انرژی، مسیرهای ترانزیت انرژی، قفقاز، رادیکالیسم مذهبی

^۱ دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران mariamverijkazemi@gmail.com

مقدمه

مانورها و رقابت‌ها سیاسی-امنیتی در سطح جهان لزوماً تحت تاثیر تامین، کنترل و مدیریت انرژی که اصل بنیادین در استراتژی اقتصادی-سیاسی کشورها بخصوص کشورهای صنعتی محسوب می‌شود، قرار دارد. اهمیت این موضوع موجب شکل‌گیری مفهوم ژئوپلیتیک انرژی در مطالعات پژوهش‌کننده‌های استراتژیک غرب و افزایش هزینه و بوجود آمدن تنش و منازعه در بین کشورهای غنی از منابع هیدروکربنی گردید. ژئوپلیتیک انرژی که به مطالعه امنیت ملی و سیاست بین‌الملل در زمینه انرژی جهانی اشاره دارد، با تعدادی از عوامل موثر بر بازار بین‌المللی انرژی مشخص شده است که از عوامل اصلی می‌توان به بی‌ثباتی در مناطق تولید کننده انرژی نفت و گاز به دلیل عوامل داخلی- منطقه‌ای- بین‌المللی، ظهور شرکت‌های ملی نفت، ملی‌گرایی منابع، تخلیه ذخایر در بین تأمین‌کنندگان سنتی و گشودن مسیرهای دریایی جدید اشاره کرد. در کنار ژئوپلیتیک انرژی بحث امنیت انرژی بعنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از بقای سیاسی و اقتصادی یک کشور تلقی می‌شود که همواره لازم و ملزوم یکدیگرند. رقابت استراتژیک بین قدرت‌ها بر سر منابع انرژی نفت و گاز، منطقه کاسپین (خزر) را به زمین بازی بزرگی تبدیل کرده است که از جهت ایجاد مسیرهای جدید برای عبور خط لوله انرژی نفت و گاز، شرایط را برای تأمین منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مساعد می‌کند. از مهمترین و استراتژیکی‌ترین کشورهای عبوری ترانزیت انرژی منطقه کاسپین (خزر)، چین از جمهوری‌های خودمختار کنفدراسیون روسیه می‌باشد. از این‌رو برای رقبا و سیاستگذاران غربی، ایجاد شکاف در بازارهای انرژی روسیه با تاثیرگذاری بر مناطقی همچون چین به دلیل ساختار قومی-مذهبی که فاقد انسجام لازم با دولت مرکزی می‌باشد می‌تواند روسیه را بعنوان بزرگترین کشور صادرکننده انرژی تحت فشار قرار دهد. از این‌رو مقاله حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و استفاده از پژوهش‌های مراکز علمی معتبر به تحلیل نقش ژئوپلیتیک انرژی در گسترش رادیکالیسم مذهبی که بعنوان مهمترین ابزار کنترل بر جغرافیای مناطق غنی انرژی و مسیرهای ترانزیتی آن در جمهوری چین و فضای پیرامونی آن در نظر گرفته می‌شود، می‌پردازد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود انگیزه اصلی تفکرات رادیکالیستی در جمهوری چین و بخش‌های همجوار صرفاً دست‌اندازی بر منابع انرژی روسیه و امتیازگیری برای هژمون منطقه‌ای- جهانی غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

تعارض‌های مذهبی و افراط‌گرایی ناشی از آن همواره ساختارهای امنیتی کشورهای دارای تنوع فرهنگی را به جهت تجزیه قومی با چالش مواجه ساخته است و از این منظر ارتباط تنگاتنگی را با سیاست‌های امنیتی- اقتصادی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برقرار می‌کند. این وضعیت در مناطقی که از منابع قابل توجه انرژی نفت و گاز برخوردار است و به نوعی سوخت موتور محرکه کشورهای صنعتی را تأمین می‌کند بسیار بحرانی و پیچیده می‌گردد، چراکه هرگونه انعقاد توافقنامه‌های تجاری-انرژی با موافقتنامه همه‌جانبه نظامی-

امنیتی مستحکم می‌شود و بدین ترتیب ناکارآمدی در روند مناسبات تجاری-انرژی با تهدید نظامی-امنیتی به درگیری و بحران پیچیده‌ای تبدیل خواهد شد، بخصوص در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز و در رأس آن جمهوری چین به دلیل قرارگیری در مسیر ترانزیت خط لوله نفت باکو-نوروسویک، کانون پرتنش را بوجود آورده است. بنابراین در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم که نقش و تاثیر ژئوپلیتیک انرژی و مسیرهای ترانزیتی آن در روند بحران و منازعات نشأت گرفته از رادیکالیسم مذهبی و بنیادگرایی افراطی منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز و بخصوص جمهوری چین با توجه به نیاز شدید و رو به رشد کشورهای اروپایی و قدرت‌های غربی به منابع و تولیدات هیدروکربنی چگونه تبیین می‌شود. برطبق این سوال فرضیه‌ای بدین صورت شکل می‌گیرد که رادیکالیسم مذهبی و بنیادگرایی افراطی بعنوان مهمترین ابزار کنترل بر ژئوپلیتیک مناطق غنی انرژی و مسیرهای ترانزیتی آن از نقش قابل توجهی در بحران‌آفرینی در جمهوری چین و تسری خشونت به فضای پیرامونی برخوردار است.

روش تحقیق این مقاله تحلیلی-توصیفی و از نظر هدف از نوع کاربردی می‌باشد که اطلاعات به شیوه گردآوری و ترجمه با استفاده از مقالات علمی-تخصصی معتبر از سایت‌های دانشگاهی و پژوهشی مورد استناد قرار گرفته شد، ضمن اینکه با تبیین مولفه‌های رادیکالیسم اسلامی در جمهوری چین، نقش ژئوپلیتیک انرژی و مسیرهای ترانزیتی در گسترش بحران و منازعات در آن منطقه، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه تحقیق

مجامع علمی-پژوهشی بخصوص طی ده سال اخیر مطالعات جامعی درخصوص فعالیت بازیگران منطقه‌ای-فرمانطقه‌ای در جهت دسترسی آسان به منابع انرژی، سلطه بر ژئوپلیتیک انرژی، امنیت انرژی، مباحث کلی درباره تولید و بازارهای فروش محصولات نفتی و گازی، انجام داده‌اند، که صرفاً بر روی حضور قدرت‌های صنعتی غرب و شرق برای تسلط بر کانون انرژی در منطقه خاور نزدیک بزرگ و منطقه کاسپین (خزر) متمرکز بوده است. لیکن در این مقاله از مهمترین ابزار بازیگران منطقه‌ای-فرمانطقه‌ای برای تسلط و کنترل در مسیرهای ترانزیت انرژی نفت و گاز منطقه کاسپین، یعنی رادیکالیسم مذهبی و بنیادگرایی افراطی که از محرک‌های درونی ایجاد بحران و منازعه بین اقلیت‌های قومی-قبیله‌ای در منطقه قفقاز بخصوص جمهوری چین در نظر گرفته می‌شود، بعنوان مهمترین دلیل برای ایجاد تنش و درگیری در منطقه چین و فضاها پیرامونی آن، تاکید می‌گردد.

۲- مبانی نظری

از زمانی که وینستون چرچیل تصمیم به تغییر منبع سوخت کشتی‌های جنگی نیروی دریایی سلطنتی انگلیس از زغال سنگ به نفت، به منظور سرعت بخشیدن به ناوگان خود در مقابل همتای آلمانی‌اش در زمان جنگ جهانی اول کرد، سبک جدیدی در تدوین استراتژی‌های سیاسی-امنیتی در سطح جهان بوجود آمد. بر این اساس تغییر از تامین مطمئن زغال سنگ از ولز بریتانیا به منابع نامطمئن نفت از ایران در آن زمان، منجر به تبدیل شدن خاورمیانه (خاور نزدیک بزرگ) به یک مرکز مهم ژئوپلیتیک جهانی و تبدیل شدن نفت به یک موضوع اساسی برای امنیت ملی کشورها شد و مفهوم ژئوپلیتیک انرژی را پدید آورد. ژئوپلیتیک انرژی را می‌توان بعنوان تاثیری که موقعیت منابع انرژی نفت و گاز بر سیاست دولت‌ها دارد تفسیر نمود که فعال کننده اصلی آن وابستگی است که هم برای تولیدکنندگان (درآمد) و هم برای مصرف کنندگان (نیاز انرژی) اعمال می‌شود.

تهدید به کاهش تامین برای بازارهای صنعتی که با افزایش قیمت همراه است بیشترین نگرانی را برای مصرف کنندگان بعنوان طراحان سیاست‌های ژئوپلیتیک انرژی ایجاد کرده است. برطبق نظر تحلیلگران در آینده، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بعنوان کانون ژئوپلیتیک انرژی روسیه به همراه آسیای مرکزی، چین، هند، خاور نزدیک بزرگ و خاور دور بطور فزاینده‌ای بر تعادل عرضه و تقاضا برای نفت و گاز تأثیر می‌گذارند. از این‌رو مصرف کنندگان انرژی طی چند سال اخیر درصدد انتقال انرژی نفت و گاز به سوی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر الکتریکی هستند که خود با چالش‌های اساسی روبروست، چراکه نیاز به نوآوری در فناوری‌های کنونی دارد و هم هزینه بر است، همچنین می‌تواند باعث از دست دادن میلیون‌ها شغل ناشی از صنعت نفت و گاز در سطح جهان شود. از سوی دیگر تاریخ نشان می‌دهد انتقال انرژی به سرعت اتفاق نمی‌افتد. بطور مثال تقریباً دو قرن طول کشید تا زغال سنگ بعنوان سوخت شماره یک جهان از چوب و زباله سبقت گرفت. سپس نفت در سال ۱۸۵۹ در غرب پنسیلوانیا کشف شد، اما تنها یک قرن بعد، در دهه ۱۹۶۰، جایگزین زغال سنگ بعنوان بهترین منبع انرژی در جهان گردید. به همین دلیل مصرف کنندگان در تلاش برای حفظ امنیت انرژی و کنترل و سلطه بر مناطق غنی از انرژی هستند و از ابزارهای تخریبی باتوجه به واقعیات سیاسی-اجتماعی کشورهای موردنظر استفاده می‌کنند تا حداکثر سود را نصیب خود سازند.

روسیه بعنوان بزرگترین صادر کننده منابع انرژی نفت و گاز (رتبه اول در گاز و رتبه پنجم در نفت) به دلیل رقابت دیرینه با قدرت‌های غربی، حساسیت‌های ویژه‌ای را بوجود آورده است از این‌رو بازیگران فرمانطقه‌ای با استفاده از نقاط ضعف روسیه درصدد کاهش هم‌مون منطقه‌ای این کشور در منطقه قفقاز و دریای سیاه هستند و باتوجه به تنوع قومی- فرهنگی در این منطقه اجرای رادیکالیسم مذهبی را برای پیگیری مطالبات قومی-مذهبی در کانون‌های متشنج جنوب روسیه به نفع سیاست‌های خود پیگیری می‌نمایند. از مناطق

بسیار حساس روسیه که همواره شکل گریز از مرکز داشته و متأثر از بی‌ثباتی‌های خاور نزدیک بزرگ بوده، قفقاز شمالی با محوریت جمهوری چین (یک جامعه قبیله‌ای با صد و پنجاه قوم و قبیله مختلف) است که دارای اهمیت ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی به لحاظ زیرساخت‌های استراتژیک برای ترانزیت انرژی نفت و گاز یعنی خط لوله باکو-گروزی-نووروسیسک به طول ۱۳۳۰ کیلومتر (۸۳۰ مایل)، می‌باشد. بی‌ثباتی‌ها در چین عامل اصلی قطع عرضه نفت در این محور می‌باشد که در صورت عدم عملکرد بهینه خط لوله عبوری از چین می‌تواند برای مسکو میلیون‌ها دلار هزینه در برداشته باشد، از این رو روسیه مصمم است تا از توان خود برای کنترل این منطقه استفاده نماید. تحت فشار قرار گرفتن جنوب روسیه و بطور مشخص توسط رادیکالیست‌های مذهبی می‌تواند منجر به فشارهای اقتصادی گسترده و سیل پناهندگان شود که در حالت کلی مشروعیت روسیه را خدشه‌دار می‌کند و باعث تجزیه مناطق فدرالی این کنفدراسیون می‌شود، بخصوص در طی چند سال اخیر با برگشت مهاجرین پیکار جو چینی از مناطق تحت سلطه دولت اسلامی عراق و شامات (داعش)، تهدیدی جدی مناطق جنوبی روسیه را در بر گرفته است.

۳- تاریخچه طبیعی و انسانی چین

قفقاز شمالی که بخشی از فدراسیون روسیه است شامل هفت جمهوری خودمختار آدیغیه، کاراچوو-چرکسیا، ۲۷ کاباردینو-بالکاریا، اوستیای شمالی، اینگوشتیا، چین و داغستان می‌باشد که با رفتن از غرب به شرق، جمعیت آنها بیشتر اسلامی می‌شود (Halbach, 2001). چین بخشی از قفقاز شمالی است که داغستان را نیز در برمی‌گیرد. مساحت جمهوری چین که در جنوب غربی روسیه واقع شده است حدوداً ۴۷۵۰ مایل مربع می‌باشد، که در جناح شمالی رشته کوه‌های قفقاز قرار گرفته است.



شکل شماره (۱)

چچن از شمال با روسیه، از شرق و جنوب شرقی با جمهوری داغستان، از جنوب غربی با کشور گرجستان و از غرب با جمهوری اینگوشیتا همسایه است. چچن از جنوب به شمال در سه منطقه جغرافیایی واقع شده است، منطقه اول در جنوب قفقاز بزرگ قرار دارد که خط‌الراس آن مرز جنوبی جمهوری را تشکیل می‌دهد. بلندترین قله کوه تبولوسمتا^۱ (۴۴۹۳م) و رودخانه آرگون^۲ در این منطقه جاریست. منطقه دوم متشکل از دره‌های وسیع رودخانه‌های ترک و سونژا^۳ که از غرب به شرق از جمهوری عبور می‌کنند. منطقه سوم در شمال دشت‌های هم سطح استپ نوقای قرار دارد. ستون فقرات اقتصاد چچن در تولید و توزیع نفت قرار دارد که عمدتاً در دره رودخانه سونژا بین گروزنی و گودرمس انجام می‌شود. پالایش نفت در گروزنی متمرکز بوده و خطوط لوله به دریای خزر (شرق) در ماخاچکالا و دریای سیاه (غرب) در توآپسه منتهی می‌شدند. همچنین مطالعات نشان داده‌اند گاز طبیعی نیز در این منطقه وجود دارد. کشاورزی نیز عمدتاً در دره‌های ترک و سانژا متمرکز است. حمل و نقل عمدتاً از طریق راه آهن، به دنبال دره‌های ترک و سونژا و ارتباط با آستاراخان و باکو در دریای خزر و با توآپسه و روستوف در دریای سیاه و دریای آزوف انجام می‌شود و جاده‌های زمینی گروزنی را به سایر مراکز داخل و خارج جمهوری پیوند می‌دهد.

شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که چچنی‌ها تا ۴۰۰۰ سال در چچن زندگی کرده‌اند، درحالی‌که شواهد زبانی حاکی از آن است که زبان آنها از بین‌النهرین علیا نشأت گرفته است. اصلی‌ترین گروه قومی در جمهوری چچن، چچن‌ها همراه با اقلیت‌های روس و اینگوش هستند که دو گروه اینگوشی‌ها و چچنی‌ها جزء جمعیت مسلمان هستند که زبان آنها به گروه نخ نزدیک است.

چچن‌ها و دیگر قبایل قفقاز، از دهه ۱۸۳۰ تا دهه ۵۰ تحت سلطه رهبری مسلمان به نام شمیل، مقاومت طولانی در برابر جنگ روس‌ها داشتند. اما بعد از جنگ کریمه روس‌ها نیروهای بزرگتر و مجهزی را گردآوری کردند و آنها را شکست دادند از این‌رو بسیاری از پیروان وی به ارمنستان مهاجرت کردند. از این تاریخ رودخانه ترک^۴ تا دهه ۱۸۶۰ بعنوان یک مرز دفاعی باقی ماند. درگیری‌های مداوم چچن‌ها و روس‌ها در امتداد رود ترک زمینه نوشتن رمان قزاق‌ها لئو تولستوی بوده است (Britannica.com). در پی سال‌ها درگیری و تنش، آخرین جنگ روسیه با چچن اگوست ۱۹۹۹ هنگامی آغاز شد. اسلام‌گرایان تندرو از چچن به جمهوری همسایه داغستان نفوذ کرده بودند. علیرغم اطمینان مسکو از کنترل درگیری، عملیات تا سپتامبر به دومین جنگ تمام‌عیار بین روسیه و چچن طی پنج سال تبدیل شد (Menon & Fuller, 2000). رضایت جامعه روسیه برای به راه انداختن جنگ نتیجه یک فرایند پیچیده و چندوجهی همسویی با چچن‌ها

¹ Tebulosmta

² Argun

³ Sunzha

⁴ Terek

و تأمین امنیت آنچه می‌تواند درگیری پسااستعماری یا جدایی‌طلبی محلی تلقی شود، بود (Avakian, 2017). چین بطور متناوب قرن‌ها در جنگ با روسیه بود. همزمان با گسترش امپراتوری روسیه در قرن هجدهم، چینی‌ها سال‌ها مقاومت کردند تا سرانجام جزوی از کنفدراسیون روسیه شدند. با اینکه بیش از هشتاد درصد بودجه چین از خزانه‌داری فدرال روسیه تأمین می‌شود (Shinar, 2019)، اما چین با بیکاری زیاد، فقر فراگیر و رشد سریع جمعیت، مواجه است که زمینه‌های وقوع فساد، آدم‌ربایی و ترور را در منطقه بوجود آورده است و به نوعی جرم تنها منبع تأمین معاش افراد بیشماری است. تحلیلگران معتقدند با این پیش زمینه چین در جهان اسلام همان موقعیتی را دارد که افغانستان داشته است. با این اوصاف شکی نیست که چین در حال تبدیل شدن به پایگاه تروریسم بین‌المللی باشد (Brownfeld, 2003).

۴- پیش‌زمینه‌های رادیکالیسم مذهبی در چین

از نگاه چینی‌ها، ریشه‌های واقعی جدایی‌طلبی چین در فرهنگ بومی و در نهایت در ناسیونالیسم چینی نهفته است. دین یک مولفه فرعی این جدایی‌طلبی است. بنابراین یک عمل جهادی را نشان نمی‌دهد. چینی‌ها از اسلام رادیکال بعنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده می‌کنند و نه به خاطر خود آن. مطالعات نشان می‌دهد که اسلام از هر نوع برای مدت زمان نسبتاً کوتاهی جزئی از فرهنگ چین بوده که بدون تنش ۲۹ با همسایگان نبوده است. چین استقلال خود را صرفاً به دلایل ملی‌گرایانه اعلام می‌دارد. اکثریت چینی‌ها با به یاد داشتن خاطرات تبعید و تبعیض از دولت ملی خود می‌خواستند تا فضایی ایجاد کنند که در آن فرهنگ چینی در امنیت کامل باشد. برای چینی‌ها دین افراطی به ابزاری مفید تبدیل شد که با آن می‌توانستند این هدف را پیش ببرند. اشتیاق اصلی چینی‌ها به اسلام رادیکال به ویژه وهابیت صرفاً از نیازهای عملی یعنی کمک اقتصادی (نقدی) و سیستم سازمان (اعم از اجتماعی و نظامی) ناشی می‌شود. از آنجا که چینی‌ها برای تأمین بودجه مبارزه و اقتصاد خود هیچ منابع کمکی اقتصادی دیگری نداشتند، مجبور شدند که به افراط-گرایان روی آورند، زیرا آنها تنها کسانی بودند که پول نقد آماده داشتند. اسلام رادیکال همچنین بعنوان نیرویی برای کنترل و بسیج مقاومت مسلحانه در برابر قدرت روسیه بکار گرفته شده است. از این رو اسلام رادیکال ابزاری برای بقا نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح ملی نیز است (Parker, 2015).

البته مراجع دینی صوفیه سهم قابل توجهی در احساسات ضد روسی و پیشروی تجزیه‌طلبان و اسلام‌گرایان داشتند (Markedonov, 2010). علاوه بر وقایع افغانستان با توسعه یک جنبش سلفی - جهادی همراه بوده که درگیری‌های بعدی در قفقاز شمالی در طول دهه ۱۹۹۰ را شکل داده است (Tumelty, Moore, 2008)، زمینه رادیکالیسم مذهبی جوانان در جمهوری چین در ارتباط با بیکاری، دسترسی ضعیف به آموزش در

نظر گرفته می‌شود. عده‌ای که از شرایط بهتری برخوردارند به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و کسانی که مجبور به ماندن در چین هستند، اغلب موفق به یافتن کار نمی‌شوند و یا کاری را انجام می‌دهند که مرتبط با مدرک تحصیلی آنها نیست. فقدان مشاغل جوان‌گرا منجر به ایجاد روندهای تثبیت شده‌ای می‌شود که به موجب آن جوانان به دنبال فرصت‌های شغلی در خارج از جمهوری هستند که بطور مشخص جذب در رادیکالیزاسیون مذهبی و اشتغال در گروه‌های مسلح می‌شوند (Goryushina, 2013). تقریباً همه چینی‌های ساکن اتحادیه اروپا مهاجرانی هستند که در اولین موج عمده با جنگ دوم چین که در سال ۱۹۹۹ اتفاق می‌افتد، پناهندگی کسب کردند. علیرغم این واقعیت که درگیری‌ها در چین امروز تا حد زیادی متوقف شده است، اما مهاجرت به اروپا بسیار زیاد است بطوریکه تقریباً ۱۰۰ چینی در روز تلاش می‌کنند وارد اتحادیه اروپا شوند و از طریق بلاروس پناهندگی می‌گیرند.

چینی‌ها که به خارج مهاجرت نموده‌اند باتوجه به شرایط قبیله‌ای که دارند اغلب با سایر گروه‌های مهاجر درگیر می‌شوند، گاهی اوقات به تعداد زیادی، همانند درگیری اکتبر ۲۰۱۴ بین ۳۰ چین و ۷۰ کرد در شهر سله آلمان مشاهده می‌شوند. بزرگترین فعالیت مافیایی چینی ابتدا در مسکو و سپس در اتریش انجام می‌شود. در حال حاضر جوامع مهاجر چینی در اروپا همچنان در معرض خطر جدی قرار گرفتن اهداف آسان برای عناصر رادیکال هستند (Hauer, 2018). تحلیلگران معتقدند شیوه حکمرانی اوراسیا (مخالف اروپایی) روسیه، برابر بودن تعیین سرنوشت با جدایی طلبی و اختلافات فرهنگی- مذهبی با افراط‌گرایی، باعث ایجاد فشارهای اجتماعی برای افزایش خشونت سیاسی و تروریسم و مهاجرت شده است (Russell, 2009). مشخصاً تبعیض برای چین‌ها مانند سایر افراد از قفقاز، اتفاق می‌افتد. چینی‌ها و داغستانی‌ها بیشتر از ارمنی‌ها و گرجی‌ها مورد تبعیض قرار می‌گیرند (EASO, 2018).

شکی نیست که این قسمت از جهان برای آینده نسل بشر حیاتی است. اگر تحت سلطه نسخه رادیکال اسلام قرار گیرد، روند تاریخ را به طرز کاملاً منفی تغییر می‌دهد. مسلمانان سزاوار آزادی و پیشرفت هستند، اما ذهنیت جهادی از آزادی متنفر است و پیشرفت را در دریای خون غرق خواهد کرد. رادیکال‌ها حتی بعنوان یک دیدگاه کوچک، صدمات زیادی را هم به جوامع مسلمان از پاکستان تا افغانستان از طریق قفقاز وارد کرده‌اند و هم به غرب در رأس آن ایالات متحده آمریکا و همچنین روسیه حمله کرده‌اند. بطور خاص، عربستان سعودی و سایر کشورهای اسلامی نقش موثری در ارسال پول و مبلغین به منطقه برای ساخت مساجد و مدارس دارند تا بر ذهن جوانان، تأثیر بگذارد (Govinfo.gov). جریان تروریست‌های مذهبی خارجی و همچنین کمک‌های مالی به مردم چین و رهبران مبارز آن، رهبران چین را از رهبران غالباً سکولار به رهبران رادیکالیستی مذهبی تبدیل کرده است (Shinar, 2019). نمونه‌هایی از اسلام رادیکال، ملی‌گرایی

رادیکال و جنبش‌های ضد فرقه، اهمیت در نظر گرفتن تأثیر ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی را نشان داد که می‌تواند رشد روندهای مختلف جامعه، از جمله افراط‌گرایی را در چین تعیین کند (Sulimova, 2018).

۵- توانمند کردن رادیکالیست‌های مذهبی چین در سوریه

سیاست‌های جدید روسیه، موقعیت ملی‌گرایی چینی را بعنوان یک ایدئولوژی مبارزه تضعیف کرد و باعث شد دوکا عمروف، رهبر دولت مجازی چین در سال ۲۰۰۷ ناسیونالیسم چینی را کنار بگذارد و از انترناسیونالیسم اسلامی حمایت کند. این رویکرد حداقل در کوتاه مدت باعث جذب مسلمانان طرفدار عمروف از سراسر قفقاز شمالی و فراتر از آن شد. اما با گذشت زمان، انترناسیونالیسم اسلامی بطور فزاینده‌ای تبدیل به یک مسئولیت برای ایجاد امارت اسلامی شد که تعداد چشمگیری از مبارزان قفقاز شمالی تصمیم به جنگ و جهاد در عراق و سوریه گرفتند (Shlapentokh, 2015). ضمن اینکه بهره‌برداری شدید از نیروی کار ارزان باعث نارضایتی عمومی در چین شد و زمینه را برای جذب به گروه داعش ایجاد کرد (Baev, 2018). اولین اقدام تروریسم انتحاری چینی‌ها توسط دو زن در ۷ ژوئن ۲۰۰۰ اتفاق افتاد و این موضوع باعث تسریع مهاجرت برای تروریسم انتحاری به درگیری‌ها در چین شد (Speckard & Akhmedova, 2007). زیربنای

ایدئولوژی گروه‌های ترور چینی وهابیت رادیکالی است، از این رو تعارض با سیاست‌های دولت مرکزی مبنی بر کاهش تمایلات بنیادگرایانه و سلفی‌گری باعث علاقمندی چینی‌ها اسلام‌گرا به وعده استخدام کنندگان داعشی برای زندگی در امارت اسلامی عراق و شامات شد، بدین ترتیب پس از خلافت داعش در سال ۲۰۱۴، تعداد بیشتری از چینی‌ها به همراه خانواده‌هایشان به سوریه مهاجرت کردند (Oliker, 2017).

مسئله حضور چینی‌ها در جنبش‌های جهادی بخصوص جنگ در افغانستان تحت نظر جنبش اسلامی ازبکستان سال‌هاست که مورد بحث است. قبل از ظهور داعش، جنبش اسلامی ازبکستان اصلی‌ترین سازمان افراطی آسیای میانه در این زمینه بود که پایگاه عملیاتی آنان در افغانستان و پاکستان قرار داشت (Jalalzai, 2020). بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین سه تا چهار هزار چینی برای پیوستن به داعش به عراق یا سوریه سفر کرده‌اند که تقریباً بیشتر آنان از پناهندگان جنگ‌های اول و دوم چین به اروپا هستند با این حال اعتقاد بر این است که حدود چهارصد تا پانصد نفر مستقیماً از داخل جمهوری چین به سوریه رفته باشند (Yaffa & Joshua, 2016). علاوه بر جمهوری چین، جمهوری شرقی داغستان از بالاترین میزان نفرات در جنگ‌های سوریه برخوردار است (Saramoso & Yarlykapov, 2020). بی‌شک چینی‌ها دارای تجربه نظامی قابل توجهی هستند و بطور مکرر جنگ‌جوه‌های خارجی دیگری از جمله بسیاری از اروپایی‌ها را آموزش می‌دهند. چینی‌ها تمایل دارند یک کشور اسلامی در سوریه ایجاد کنند و مبارزه مسلحانه را به کشورهای

همسایه لبنان، اردن، عراق و ترکیه منتقل کنند و در نهایت برای آزادسازی قدس به اسرائیل حمله نمایند (Grove, 2018). مشهورترین گروه‌های چچنی جیش المهاجرین و آل‌انصار است که در تابستان ۲۰۱۳ به داعش پیوستند. رهبر این گروه ابو عمر الشیشانی (در اصل تارخان باتیراشویلی)، عضو اقلیت کیست وابسته به چچن از پانکیسی در جورجیا بود که تا به امروز شناخته شده‌ترین مبارز قفقازی در سوریه است (Hauer, 2018). عمر شیشانی یکی از اولین چچنی‌هایی بود که با دولت نوپای اسلامی عراق و سوریه (داعش) در اوایل سال ۲۰۱۳ بیعت کرد. چچنی‌ها همراه با رهبر نظامی شیشانی که به بالاترین مقام نظامی داعش رسیده بود بعنوان سرسخت‌ترین مبارزان شهرت جهانی پیدا کردند (Mironova & sergarskova, 2017).

جنگجویانی نظیر عبدالحکیم شیشانی، مسلم شیشانی، صلاح‌الدین شیشانی سه مبارز چچنی دیگر در سوریه بودند که در راستای تداوم کدهای رادیکالیزاسیون و شورش در منطقه فعالیت زیادی نمودند و همین فعالیت‌ها ممکن است به گروه‌بندی جنگجویان خارجی در درگیری‌های آینده در خارج از قلمروهای تحت پوشش کمک فراوانی نماید (Gunev, 2019). بطور مثال از توانایی یک گروه تروریستی در ضربه زدن به اماکن عمومی در سراسر جهان با وجود کاهش نفوذ و قدرت‌شان در عراق و سوریه می‌توان به حمله انتحاری در فرودگاه آتاتورک استانبول اشاره کرد که توسط سه شبه نظامی از کشورهای چچن، ازبکستان و قرقیزستان انجام شد و احمد چاتایف، ستوان داعش چچنی مظنون به برنامه‌ریزی این حمله مورد شناسایی قرار گرفت (Vingoe, 2016). این در حالیست که دولت ترکیه درصدد است از گروه‌های جهادی برای اهداف خود مانند سرنگونی اسد و سرکوب جریانات کرد سوریه نزدیک به پ.ک.ک استفاده کند. اما شکی نیست که حمایت آنکارا از چچن و سایر جهادگران خارجی علیرغم هشدارهای شفاف شرکای اروپایی خود، امنیت داخلی درون ترکیه و اروپا را به خطر می‌اندازد (Steinberg, 2014).

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، مداخله نظامی مسکو در سوریه را بعنوان راهی برای ضربه زدن به تهدید تروریستی داخلی روسیه با هدف قرار دادن مستقیم تروریست‌ها توجیه کرده است. روسیه تهدیدات اساسی را برای جلوگیری از رشد تروریسم در سوریه در نظر گرفت بطوریکه داعش‌ها را اینطور تهدید کرده بود که حلب سوریه را همانند پایتخت چچن گروزی خواهد کرد. گروزی در سال ۲۰۰۲ از طرف سازمان ملل بعنوان ویرانترین شهر روی زمین توصیف شد (Hauer & Bureau, 2019). اقدامات امنیتی روسیه، تنش‌های داخلی و مهمتر از همه رقابت با دولت اسلامی (داعش) که از سال ۲۰۱۴ مورد حمایت بسیاری از مبارزان قفقاز شمالی در خاورمیانه قرار گرفت، باعث از بین رفتن اهمیت امارت اسلامی قفقاز شده است (Zhemukhov, 2019). البته مقامات روسی معتقدند که ما در آنجا با آنها جنگیدیم تا مجبور نباشیم در خانه با آنها بجنگیم. از ژانویه تا مارس ۲۰۱۸، مقامات چچن ۱۵۰ شهروند روسی را از سوریه و عراق بازگرداندند که بیشتر آنان را زنان و کودکان چچنی تشکیل می‌دادند. نظارت و کنترل بر این زنان که گاه

بعنوان استخدام کنندگان داعش فعالیت می‌کنند از سیاست‌های امنیتی مقامات روسیه است (Aliyev, 2018). مقامات چین از بازگشت شورشیانی که برای داعش جنگیده‌اند نگرانند چراکه ستیزه‌جویانی که اکثر آنها دشمنان سرسخت رژیم رمضان قدیروف هستند می‌توانند حملاتی را که چند سال پیش در چین انجام داده‌اند دوباره تکرار نمایند. در سال ۲۰۱۵، درحالی‌که روسیه حملات هوایی را برای تقویت رژیم بشار اسد آغاز کرد، قدیروف اشتیاق خود را برای ارسال نیروهای زمینی از چین برای مبارزه با داعش اعلام داشت چراکه انگیزه‌های وی برای انجام این کار تا حدودی مربوط به تهدید ویژه داعش در چین بود و قدیروف فرصتی را برای از بین بردن مخالفان بالقوه خطرناک در سوریه دید (Arutunyan, 2018). اگرچه به نظر می‌رسد چین سهم عمده‌ای در پر کردن ظرفیت انسانی دولت اسلامی دارد و بر این اساس می‌توان حرکت مبارزان به خارج از چین را یک راه‌حل خارجی برای مسئله امنیت داخلی روسیه دانست اما کاهش مداوم داعش از نظر سرزمین و قدرت به این معنی است که این راه‌حل خارجی برای مسئله امنیت داخلی روسیه بطور فزاینده‌ای قوت کمتری دارد. تعداد کسانی که چین را ترک کردند تا به گروه‌های تروریستی در سوریه بپیوندند در سال ۲۰۱۶ به ۱۹ نفر کاهش یافت. این رقم چندین برابر کمتر از اعداد سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است که صدها اندازه‌گیری شد. افول داعش لزوماً به معنای پایان رادیکالیزاسیون و استخدام در چین نیست. احتمالاً رادیکالیزاسیون و جذب جوانان توسط نیروهای زیرزمینی چینی ادامه خواهد یافت. ۳۳

این امر بطور بالقوه از دو طریق بر وضعیت امنیتی تأثیر می‌گذارد. اول، بازگشت مبارزان چینی باتجربه از سوریه، همراه با کسانی که قبلاً در چین مستقر شده‌اند، ممکن است تهدید بزرگتری باشد. روس‌ها معتقدند که داعش تهدیدی مستقیم برای این کشور نیست بلکه تهدید شهروندان چینی که به داعش پیوستند و بعداً به خانه خود بازمی‌گردند است. براساس اصلاحیه‌های قانون جنایی روسیه در اکتبر ۲۰۱۳، مجازات شرکت در فعالیت‌های تروریستی در خارج از کشور افزایش یافته است. این امر در واقع راه را برای کسانی که قصد بازگشت به خانه را دارند مسدود می‌کند، با این وجود، این احتمال وجود دارد که برخی سعی کنند از طریق درب پشتی به خانه (مناطق مجاور) بازگردند.

دوم، تجمع جوانان افراطی در چین ممکن است منجر به وخامت جدی در اوضاع امنیتی شود و این احتمال وجود دارد که افراط‌گرایی افزایش یابد. افزایش حوادث مسلحانه، قربانیان و تعداد کشته شدگان مربوط به افراط‌گرایی در چین و کاهش چشمگیر تعداد مبارزان احتمالی چینی که این کشور را برای پیوستن به گروه‌های افراطی در سوریه در سال ۲۰۱۶ ترک کردند، از نشانه‌های اولیه شکل‌گیری این سناریو است. عملیات ضد تروریسم ۹ تا ۱۶ ژانویه ۲۰۱۷، اساساً ابتکار عمل مقامات برای جلوگیری از گسترش بیشتر این سناریو بود. سناریوی دوم می‌تواند منجر به جمع شدن جمعیتی از مبارزان بالقوه و جوانان رادیکال در روسیه

شود در نتیجه روسیه ممکن است با وخامت جدی در وضعیت امنیت داخلی خود و حتی افزایش افراط‌گرایی در چین روبرو شود، که این یک سناریوی کابوس‌وار برای روسیه خواهد بود (Rahimov, 2017).

۶- ژئوپلیتیک انرژی در راستای تنش در چین

پیش‌بینی‌های مراکز مطالعات انرژی نشان می‌دهد که منابع هیدروکربنی موجود در بستر دریای کاسپین (خزر) می‌توانند جایگزین بعدی ذخایر انرژی در جهان باشند از این‌رو مسابقه دومینوی جنگ ژئوپلیتیک انرژی سال‌ها در منطقه در حال انجام است. بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا برای تداوم سلطه خود به شدت در پی از بین بردن حاکمیت روسیه در آسیای میانه و قفقاز، بازسازی فضای اوراسیا مطابق با منافع خود و جلوگیری از حاکمیت چین یا اروپا در آنجا و در نهایت ایجاد پایگاه‌های نظامی برای نفوذ در روسیه و جلوگیری از افزایش قدرت چین است (Geopolitica.ru). خط لوله منابع هیدروکربنی روسیه از داغستان و چین عبور می‌کند یعنی مناطقی که غرب از تروریست‌ها یا مبارزان آزادی اسلامی بعنوان ابزار بی‌ثباتی استفاده می‌نماید. غرب دلایل استراتژیک و همچنین بشردوستانه برای مراقبت از آنچه در چین اتفاق می‌افتد، دارد. بی‌ثبات‌سازی روسیه به معنای عدم دسترسی روسیه به منابع انرژی نفت و گاز در منطقه کاسپین (خزر) است که در صورت ثبات مناطق جنوبی روسیه، دسترسی غربی‌ها به انرژی کاسپین (خزر) با خطر مواجه خواهد شد.

۳۴

از این‌رو دولت آمریکا برای یافتن مسیری از کشورهای وابسته به خود مانند ترکیه تلاش می‌کرد و این بار علیرغم مخالفت برخی از شرکت‌های نفتی که به دلیل هزینه‌های بسیار بالاتر در مسیر ترکیه اعتراض داشتند، این کار را انجام داد و هزینه‌های تخمینی آن بین ۲،۵ تا ۴ میلیارد دلار افزایش یافته است. در نتیجه خط لوله ۱۱۰۰ مایل - از پایتخت آذربایجان باکو تا بندر جیهان ترکیه - گرفتار مشکلات ژئوپلیتیک و اقتصادی شده است و عدم تقاضا و تولید کم و ادامه درگیری آذری-ارمنی‌ها به این پروژه آسیب رسانده است. همچنین سرمایه‌گذاران فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق نفت‌خیز مانند خلیج گینه آفریقای غربی، خلیج مکزیک و برزیل را که بازده مطمئن‌تری در محیط‌های اقتصادی و امنیتی کم‌خطرتر ارائه می‌دهند، ترجیح دادند. با این حال ایالات متحده آمریکا تضمین‌های مالی مناسبی را برای شروع توسعه اقتصادی در جنوب بالکان با تحقق این پروژه ارائه داده است.

از سوی دیگر یونان و روسیه به همراه بلغارستان توافق کردند که برای ساخت خط لوله یونان و روسیه برای انتقال نفت خام روسیه از طریق بلغارستان و یونان همکاری نمایند. این خط لوله به طول ۲۸۵ کیلومتر بندرهای بورگاس در بلغارستان و الکساندروپولیس در شمال یونان را به هم متصل می‌کند و به روسیه اجازه می‌دهد نفت را از طریق دریای سیاه صادر کند. این مسیر ارزان‌تر از مسیر ترکیه است و هزینه تخمینی آن

بین ۸۰۰ تا ۱ میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود که فعلا مسیر بلغارستان-مقدونیه-آلبانی در مسکو و از خط لوله خزر به رهبری شورون که در حال توسعه ذخایر نفتی خزر-قزاقستان است ناتمام مانده است.



شکل شماره (۲)

۳۵

از دیگر مسیرهای خط لوله انتقال نفت از ذخایر دریای خزر که ترکیه را نیز دور می‌زند مسیر ترکمنستان به ایران است که نفت آسیای میانه را به سمت پایانه‌های نفتی خلیج فارس حمل می‌کند و با یک خط لوله ۲۱۰۰ مایل در سراسر آسیای مرکزی به شرق از قزاقستان تا صنایع چین گسترش می‌یابد.



شکل شماره (۳)

بطور کلی این برنامه‌ها تهدیدی برای تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران به پروژه باکو- جیهان است و دولت ترکیه در حال تعریف مجدد سیاست انرژی و استراتژی خط لوله خود است (truthinmedia.org).

۷- چچن مسیر ترانزیت انرژی

برخی از تحلیلگران معتقدند بیشترین اهمیت جمهوری خودمختار چچن به میادین و پالایشگاه نفتی آن است. این جمهوری به پالایشگاه بزرگش با ظرفیت کاری ۱۲ میلیون تن می‌بالد. حفاری‌ها عمدتاً در دره رودخانه سانژا بین گروزنی و گودرمس انجام شده است. پالایشگاه نفت عمدتاً در اطراف گروزنی متمرکز شده و خطوط لوله به دریای کاسپین (مشرق) در ماخاچکالا و به دریای سیاه (غربی) در توآپسه قرار دارد (شکل شماره ۳). علاوه بر نفت، گاز طبیعی نیز در این منطقه یافت می‌شود. اولین گزارش‌ها از ذخایر نفتی در چچن در نوشته‌های جهانگردان مشاهده شد که از بیرون آمدن مواد سیاه و بدبو از زمین حیرت کردند که روستائیان از آن مواد در جهت روغن کاری لوازم کشاورزی استفاده می‌نمودند. با این حال در سال ۱۸۹۳م اولین چاه نفت تجاری در حومه شمال گروزنی به بهره‌برداری رسید. قبل از به قدرت رسیدن اتحاد شوروی، میادین نفتی در چچن توسط شرکت‌های بلژیکی، انگلیس، آلمانی، روسی، چچنی و آذری‌ها توسعه یافته بود. اما همزمان با اتحاد شوروی پانزده سال طول کشید تا حجم تولید دوباره به سطوح سطح اوایل قرن بیستم بازگردد. با آغاز جنگ جهانی دوم، چچن-اینگوشیا سالانه تقریباً ۴ میلیون تن نفت خام با کیفیت بالا تولید می‌کردند. صنعت پالایشگاه گروزنی در سال ۱۹۷۱م به اوج خود رسید، هنگامی که سه پالایشگاه آن ۲۱,۳ میلیون تن نفت خام (بیش از ۷ درصد از کل تولید روسیه) را تصفیه کرد که علاوه بر تولید محلی، بخشی از تولید مزارع نفتی باکو را نیز شامل می‌شود. با این وجود پس از به‌روزرسانی پالایشگاه‌های باکو و ساخت تأسیسات جدید در جای دیگر اتحاد جماهیر شوروی، تولید پالایشگاه‌های چچن شروع به کاهش کرد: تا سال ۱۹۸۰م، میزان تولید نفت در چچن-اینگوشیا از ۷,۴ میلیون تن تا سال ۱۹۸۵م به ۵,۳ میلیون تن کاهش یافت. این کاهش اولین موج عظیم مهاجرت روس‌ها را منجر گردید که چچن را برای اسکان در مناطق جدید تولید نفت در اورنگوی، تیممن ترک کردند. بسیاری از میادین نفتی جمهوری چچن فرسوده شده‌اند، در حالیکه میادین نفتی عمیق‌تر برای بهره‌برداری نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری دارند. تجارت نفت این جمهوری یکی از اصلی‌ترین مسائل در روابط روسیه و چچن در طی ۲۵ سال گذشته بوده است. تلاش چچن برای استقلال از روسیه در دهه ۱۹۹۰م تا حدودی مبتنی بر ذخایر نفتی و پالایشگاه‌های نفتی این کشور بود. پس از آنکه نیروهای روسی صنعت نفت چچن را کنترل کردند و جمهوری را تحت کنترل خود درآوردند، مسکو در تلاش برای بازسازی اقتصاد جنگ زده خود سرمایه‌گذاری در صنعت نفت در چچن را آغاز کرد.



شکل شماره (۴)

قبل از جنگ جهانی دوم، چین دارای سه تأسیسات بزرگ پالایشگاهی بود از جمله پالایشگاه لینن که پردازش اولیه روغن را انجام می‌داد و پالایشگاه آنیسیموف برای نفت خام ترش و کارخانه شریف^۱ که برای تصفیه اولیه و مستقیم فرآورده‌های نفتی طراحی شده است. این کارخانجات و پالایشگاه‌ها ظرفیت تجمع حداکثر تا ۲۰ میلیون تن نفت خام چین و قزاقستان را داشتند. وجود سه نوع پالایشگاه مختلف، امکان تصفیه تقریباً هر نوع نفت خام را تضمین می‌کرد و این دارایی مهم آنها را برای یک محصول انتخابی برای کسانی که می‌خواستند در هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کنترل را بدست آورند، انتخاب می‌کرد. سیاست‌های کوتاه مدت رهبری چین، روسیه را مجبور به جستجوی سناریوهای جایگزین کرد و مسیرهای خط لوله با دور زدن چین برای حمل و نقل نفت تولید شده در روسیه و جمهوری آذربایجان که پس از جنگ اول چین ساخته شد توسعه یافت.

در طی اعلام استقلال و خودمختاری در زمان جوهر دودایف چینی‌ها بطور قانونی محصولات تصفیه شده و خام را به ارزش صدها میلیون دلار از طریق خط لوله گروزی صادر کردند. آنها از طریق همکاری با سیاسیون رشوه بگیر در مسکو برای به دست آوردن مجوز صادرات مسکو درصدد بودند تا مانع از تداوم این جریان شوند و حوزه‌های نفتی اطراف گروزی را کنترل کردند. بر این اساس روسیه اقدام به ایجاد مراکز قدرت کرد تا با دودایف رقابت کند. اقدام نظامی وسیع و مخفی روسیه در حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی (میلیشیایی) ضد دودایف آغاز شده بود و در سال ۱۹۹۴م رژیم سرخورده دودایف به عناصر اسلامی رادیکالی تبدیل شد

^۱ Sheripov

که در سرتاسر خاورمیانه و آسیای مرکزی مطرح بودند و این امر منجر به مذهبی شدن نزاع و جنگ‌ها شد. این چنین حرکتی اگرچه قابل پیش‌بینی بود اما نزاع روسیه و چین را تشدید نمود. مبارزه چینی‌های مسلح با روسیه در دسامبر ۱۹۹۴م شروع شد و دوباره در تاریخ‌های جولای ۱۹۹۵م و بار دیگر در ۳۱ مارس ۱۹۹۵م دو طرف از مذاکره دست کشیدند (عزتی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تحقیق نتیجه‌گیری می‌شود که در قرن حاضر جغرافیای بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر کانون جغرافیای انرژی و مسیرهای ترانزیتی آن منطبق گردیده است و عامل مهمی در جهت تهدید و گسترش ناامنی بخصوص برای مرزهای سیاسی کشورها در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر اینکه کنترل بر خطوط لوله نفت و گازی که از باکو جمهوری آذربایجان و از طریق گروزی پایتخت چین به تیخورتسک می‌رود و سپس به بندر روسی نووراسییسک در دریای سیاه می‌رسد و قرار است این بندر ترمینالی برای خطوط لوله نفت آذربایجان و قزاقستان باشد، از چالش‌های امنیتی روسیه محسوب می‌گردد، از این رو امنیت ترانزیت انرژی در این مسیر یکی از اهداف استراتژیک روسیه بوده و هست، بدین ترتیب روسیه درصدد است سطح تولیدات و صادرات منابع انرژی خود در منطقه کاسپین (خزر) را ارتقا بخشد و غرب در رأس آن ایالات متحده آمریکا سعی دارند که با نفوذ در مناطق حساس جنوبی روسیه بخصوص جمهوری چین که گرایش‌ها گریز از مرکز قوی دارند با ابزار رادیکالیسم (یا اصطلاحاً شلاق اسلامی) زمینه تضعیف و فرسایش همون منطقه‌ای این کشور را فراهم سازد از این رو با بروز جنگ در سوریه فرصت مناسبی برای تقویت گروه‌های بنیادگرای اسلامی در روسیه فراهم شد تا ضمن ارتقاء تجربیات نظامی-امنیتی خود بر دیگر گروه‌های افراطی مستقر در چین و فضای پیرامونی آن، ساختارهای اقتصادی روسیه را بخصوص در بخش صادرات انرژی با بحران و ناامنی مواجه سازند. با این تفاسیر انگیزه اصلی تفکرات رادیکالیستی در جمهوری چین و بخش‌های همجوار صرفاً دست‌اندازی بر منابع انرژی روسیه و امتیازگیری برای همون منطقه‌ای-جهانی غرب تعبیر می‌شود، ضمن اینکه کنترل سرزمینی اوراسیا که گامی نخست برای رسیدن به قدرت جهانی در نظر گرفته می‌شود تلاش ایالات متحده آمریکا و غرب را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بحران‌سازی و برهم زدن تعادل استراتژیک روسیه بعنوان مقتدرترین قدرت اوراسیایی از طریق رادیکالیسم اسلامی توجیه‌پذیر می‌نماید.

فهرست منابع

فارسی:

۱- عزتی، عزتاله (۱۳۹۲)، «جزوه کلاسی ژئواستراتژی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

لاتین:

- 2- Aliyev, Huseyn (2018). Families of ISIS Fighters Return to North Caucasus, Families of ISIS Fighters Return to North Caucasus, May 23, 2018, the CACI Analyst. <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13519-families-of-isis-fighters-return-to-north-caucasus.html>
- 3- Arutunyan, Anna (2018). ISIS Returnees Bring Both Hope and Fear to Chechnya, Commentary/Europe & Central Asia 26 March 2018. <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/caucasus/chechnya-russia/isis-returnees-bring-both-hope-and-fear-chechnya>
- 4- Avakian, Fernando (2017). Julie Wilhelmsen, Russia's Securitization of Chechnya: How war became acceptable, Routledge Critical Terrorism Studies, 2017, 239 pages: <https://doi.org/10.4000/pipss.4293//>, <https://journals.openedition.org/pipss/4293//>
- Issue18 | 2017 : Defining and Defending Borders in the Post-Soviet Spac
- 5- Brownfeld, Peter (2003). The Afghanisation of Chechnya, The International Spectator, 3/2003, Pagina. <https://www.files.ethz.ch/isn/124992/brownfeld.pdf>
- 6- Baev, Pavel K (2018). From Chechnya to Syria: The Evolution of Russia's Counter-Terrorist Policy, Russie.Nei.Visions107. https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/baev_counter_terrorist_policy_2018.pdf
- 7- EASO (2018). Country of Origin Information Report Russian Federation The situation for Chechens in Russia, European Asylum Support Office." file:///C:/Users/lenovo/AppData/Local/Temp/Chechens_in_RF_final_0.pdf
- 8- Grove, Thomas (2018). Islamic State Claims Multiple Attacks in Chechnya, Violence returns to region of Russia where authorities have cracked down on Muslim extremism, <https://www.wsj.com/articles/islamic-state-claims-multiple-attacks-in-chechnya-1534780540>
- 9- Goryushina, Evgeniya (2002). Youth initiatives in the context of extremism: the Chechnya case", <https://pip-eu.coe.int/documents/42128013/47262046/78chapter7.pdf> [973675ec-fee5-4b8b-b5d5-4a8edce14bb3//http://pjp-eu.coe.int > documents](https://pip-eu.coe.int/documents/42128013/47262046/78chapter7.pdf)
- 10- Guney, Beyza Gulin (2019). Explaining Foreign Fighter Mobilization from the North Caucasus to Syria: Historical Legacy, Existing Networks, and Radicalized Identity,,Üsküdar Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, sayı: 9, 241-274.,p260. <https://dergipark.org.tr/tr/download/articlefile/912444>, <http://doi.org/10.32739/uskudarsbd.5.9.65>

- 11- Ghosh, Subhranil (2020). Chechnya: The ethno political flashpoint plaguing a former Super power, [https://moderndiplomacy.eu/2020/05/17/chechnya-the-ethno-political-flashpoint-plaguing-a-former-super-power./](https://moderndiplomacy.eu/2020/05/17/chechnya-the-ethno-political-flashpoint-plaguing-a-former-super-power/)
- 12- Hauer, Neil (2018). Chechen Radicalization in Europe – Communities in Need of Aid, <https://eeradicalization.com/chechen-radicalization-in-europe-communities-in-need-of-aid>.
- 13- Hauer, Neil (2018). The Impact of Chechen and North Caucasian Militants in Syria, <https://deeply.thenewhumanitarian.org/syria/articles/2018/01/19/the-impact-of-chechen-and-north-caucasian-militants-in-syria>.
- 14- Hauer, Neil and Bureau, Syndication (2019). Russia’s Chechnya model for Syria will only deepen the conflict, <https://www.euractiv.com/section/global-europe/opinion/russias-chechnya-model-for-syria-will-only-deepen-the-conflict>
- 15- Halbach, Uwe (2001). Islam in the North Caucasus, p. 93-110/
<https://doi.org/10.4000/assr.18403//>
<https://journals.openedition.org/assr/18403?lang=en>
- 16- Joint, Hearing (2013). Islamist Extremism in Chechnya: a Threat to the U. S .Homeland, Foreign Affaris House of Representatives one Hundred Thirteenth congress first session “April26,pp24-113, <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-113hrg80551/pdf/CHRG-113hrg80551.pdf>
- 17- Jalalzai, Musa Khan (2020). Jihad in Central Asiaand Russia: Foreign Fighters, the ISIS, Chechens, Katibat-i-Imam Bukhari, Al NusraFront and the Prospect of Nuclear Terrorism, (www.riecas.gr) Athens, Greece.
<https://riecas.gr/images/terrorismstudies/terrorismpage2.pdf>
- 18- Menon, Rajan and Fuller, Graham (2000). Russia's Ruinous Chechen War, <https://www.foreignaffairs.com/articles/russia-fsu/2000-03-01/russias-ruinous-chechen-war>.
- 19- Mironova, Vera and Sergarskova, Ekaterina (2017). The Chechens of Syria, The Meaning of Their Internal Struggle, <https://www.foreignaffairs.com/articles/syria/2017-09-07/chechens-syria>
- 20- Markedonov, Sergey (2010). Radical Islam in the North Caucasus, Evolving Threats, Challenges, and Prospects, A Report of the CSIS Russia and Eurasia Program. https://csiswebsiteprod.s3.amazonaws.com/s3fs.public/legacy_files/files/publication/101122_Markedonov_RadicalIslam_Web.pdf
- 21- Otero, Rivas and Sanz, Tarin (2016). Leadership style and war and peace policies in the context of armed conflict”: The case of Maskhadov and Umarov, Problems of Post-Communism. <http://doi.org/10.1080/10758216.2016.1138847>
- 22- Olikier, Olga (2017). Myths, Facts, and Mysteries About Foreign Fighters Out of Russia, by the Center for Strategic and International Studies. All rights reserved, <https://www.csis.org/analysis/myths-facts-and-mysteries-about-foreign-fighters-out-russia>.
- 23- Parker, Jonathan (2015). The Myth of Chechen Radical Islam, <https://research.utexas.edu/showcase/articles/view/the-myth-of-chechen-radical-islam>.

- 24- Russell, John (2009). The Geopolitics of Terrorism: Russia's Conflict with Islamic Extremism, *Eurasian Geography and Economics*, 50(2):184-196, University of Bradford, Project: Terrorism in Russia, DOI: [10.2747/1539-7216.50.2.184](https://doi.org/10.2747/1539-7216.50.2.184)
- 25- Rahimov, Rahim (2017). Russia's Security Dilemma: To Fight the Islamic State in Syria or Not? ,<https://www.wilsoncenter.org/blog-post/russias-security-dilemma-to-fight-the-islamic-state-syria-or-not>.
- 26- Speckard, Anne and Akhmedova, Khapta (2007). The New Chechen Jihad: Militant Wahhabism as a Radical Movement and a Source of Suicide Terrorism in Post-War Chechen Society, *Journal Democracy and Security*, Volume 2. Issue 1, <https://doi.org/10.1080/17419160600625116>, <https://tandfonline.com/doi/full/10.1080/17419160600625116>
- 27- Sanz, Tarin Adrian (2017). When *we* are the violent: The Chechen Islamist guerrillas' discourse on their own armed actions” <https://doi.org/10.1016/j.euras.2017.05.002>
- 28- Shinar, Chaim (2019). Chechens: Freedom Fighters or Terrorists, *European Review*, Volume 27, Issue 1, pp. 131-142, <https://www.cambridge.org/core/journals/european-review/article/chechensfreedomfightersorterrorists/6D45E5F7BD2D069418C5148823464054/core-reader>
- 29- Saunders, Paul (2014). Chechen extremists threaten Jordan, <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/06/jordan-abdullah-ii-chechnya-extremist-jihadists-threatening.html>
- 30- Sulimova, Elena (2018). The dynamics of extremism in Russia, <https://doc-research.org/2018/04/dynamics-extremism-russia/>.
- 31- Shlapentokh, Dmitry (2015). Russia's approach to ISIL: the hidden benefit of evil, <https://www.nato.int/docu/review/articles/2015/10/30/russias-approach-to-isil-the-hidden-benefit-of-evil/index.html>
- 32- Sagramoso, Domitilla and Yarlykapov, Akhmet (2020). What Drove Young Dagestani Muslims to Join ISIS? A Study Based on Social Movement Theory and Collective Framing, Volume 14, Issue 2, *Perspectives Terrorism/* p4256 <https://www.universiteitleiden.nl/binaries/content/assets/customsites/perspectives-on-terrorism/2020/issue-2/4.-sagramoso-and-yarlykapov.pdf>
- 33- Steinberg, Guido (2014). A Chechen al-Qaeda?, *Caucasian Groups Further Internationalise the Syrian Struggle*, *Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs*, https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2014C31_sbg.pdf
- 34- Tumelty, Paul and Moore, Cerwyn (2008). Foreign Fighters and the Case of Chechnya: A Critical Assessment, Pages 412-433 | Received 18 May 2007, Accepted 30 Jul 2007, Published online:

- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10576100801993347?journalCode=uter20>
<https://doi.org/10.1080/10576100801993347>
- 35- Vingo, Sandy (2016). The Role of Central Asian Militants in ISIS, <http://natoassociation.ca/the-role-of-central-asian-militants-in-isis>
- 36- Zhemukhov, Sufian (2019). Analysis Radical Islam in the North Caucasus, Russian Analytical Digest, No. 238, DOI: 10.3929/ethz-b-000355527
<https://css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/RAD238.pdf>
- 37- Yaffa, Joshua (2016). Chechnya's ISIS Problem, <https://www.newyorker.com/news/news-desk/chechnyas-isis-problem>
- 38- <https://www.truthinmedia.org/Columns/new-dawn-Bood%20for%20Oil.html>
- 39- <https://www.geopolitica.ru/en/article/analysis-post-soviet-central-asias-oil-gas-pipeline-issues>
- 40- Chechnya, The Editors of Encyclopaedia Britannica.
<https://www.britannica.com/event/Beslan-school-attack>

